



INCONTRI INTERNAZIONALI UOMINI E RELIGIONI  
COMUNITÀ DI S. EGIDIO

## AMICI DI DIO TESTIMONI DI PACE

ASSISI

11-13 SETTEMBRE 1994

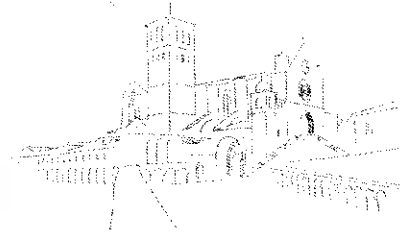
Rappresentanti  
delle Chiese cristiane  
e delle grandi religioni  
da ogni parte del mondo  
torneranno ad Assisi



## دعای صلح در «آسیزی»

Diocesi di Assisi  
Famiglia Francescana  
Città di Assisi

نصرالله بورجوادی



### در زادگاه سن فرانسیس

گردهمایی بین المللی ادیان قرار بود ساعت ۵ بعد از ظهر در شهر آسیزی در ایتالیا رسماً افتتاح شود. حدود ظهر بود که من و راهنمایم به حومه شهر رسیدیم و وقتی از دروازه شهر وارد شدیم صدای ناقوس کلیسا در خیابانها طنین افکن بود. روز یکشنبه (۲۰ شهریور) بود و میهمانان مسیحی کنگره مراسم مذهبی خود را انجام داده بودند و از کلیسا بیرون می آمدند. اولین بار بود که من به این شهر کوچک و زیبای قرون وسطایی قدم می گذاشتم. نام آسیزی همیشه یادآور یکی از مشهورترین قدیسان مسیحی قرن سیزدهم به نام سن فرانسیس است، تاجرزاده ای که در جوانی دست از تجارت و مال دنیا کشید و مانند بسیاری از مردان خدا پس از توبه راه فقر را در پیش گرفت و تا پایان عمر خود را وقف عبادت و خدمت به خلق خدا کرد. فرانسیس یکی از قدیسان پرعاطفه مسیحی است و مهر بانی او با بینوایان و حتی حیوانات زبازند مسیحیان بخصوص کاتولیکهاست. دعای معروفی هم دارد

که در آن خدا را ستایش می کند و شکر او را به جا می آورد، به خاطر این جهانی که خلق کرده است، به خاطر این که «برادر ما خورشید» و «خواهر ما ماه» و «برادر ما آتش» و «خواهر ما آب» را آفریده است، که هر يك خود آیه ای است از آیات الهی. همین احساس نزدیکی با جهان آفرینش و موجودات این جهان به عنوان آیات الهی است که سن فرانسیس را به صورت یکی از دوست داشتنی ترین قدیسان مسیحی در آورده است، تا جایی که وی را در سال ۱۹۳۹ رسماً متولی یا پدر معنوی (Patron) ایتالیا کردند و در سال ۱۹۷۹ نیز پاپ ژان پل دوم او را پدر معنوی بوم شناسی (the Patron Saint of ecology) خواند. کنگره ای هم که در زادگاه فرانسیس برگزار می شد درباره صلح و آشتی بود، آشتی بیروان ادیان مختلف با یکدیگر، آشتی انسان با همه خلق خدا، و با طبیعت و محیط زیست به عنوان صحنه ای که آیات الهی در آن ظاهر شده است.

گردهمایی بیروان ادیان جهانی از سال ۱۹۸۶ تاکنون مرتب سالی يك بار برگزار شده است، بیشتر در یکی از شهرهای ایتالیا. بانی این گردهمایی انجمنی است خیریه متشکل از کاتولیکهای مؤمن و خیر به نام «جمعیت سن اجیدیو» (Comunita Di S. Egidio)، و گرچه این جمعیت «غیرروحانی» است ولی مورد تأیید و حمایت واتیکان است. اعضای این جمعیت عموماً به فعالیتهای خیرخواهانه و نوع دوستانه، مانند دستگیری از بینوایان و درماندگان، اشتغال دارند و هرگاه بتوانند به نیازمندان و مصیبت دیدگان در کشورهای دیگر نیز کمک می کنند. مردم اتیوپی، اریتره، رومانی، آلبانی، السالوادور، موزامبیک، و حتی کردهای ایران از کمک این جمعیت خیریه استفاده کرده اند. یکی از مهمترین فعالیتهای بین المللی جمعیت سن اجیدیو برگزاری گردهمایی بیروان ادیان به منظور کمک به ایجاد صلح در جهان است. آنها معتقدند که ادیان جهانی می توانند در ایجاد صلح مؤثر باشند، و به همین دلیل همه آنها باید دست به دست یکدیگر دهند و سینه های خود را از کینه های گذشته پاک کنند و اختلافات را نادیده بگیرند و همه آنها به فضل و کرم الهی روی آورند و به برقراری صلح و آرامش در جهان کمک کنند. توجه جمعیت سن اجیدیو و واتیکان به مسأله صلح البته با جو کلی سیاست جهانی مطابقت دارد. جهان معاصر بخصوص پس از فروپاشیدن نظام کمونیستی شوروی در واقع دوران انقلابهای خونین، مانند انقلاب اکتر، را پشت سر گذاشته است. در سال گذشته میخائیل گورباچف که خود وارث انقلاب اکتر بود در مراسم افتتاحیه گردهمایی ادیان در شهر میلان گفت که دنیا عوض شده است و دیگر نمی توان برای ایجاد عدل و از بین بردن فقر و نابرابری اجتماعی به جنگ و خشونت متوسل شد، بلکه باید از راههای مسالمت آمیز و تعاون

در این راه کوشید. به هر حال، امروز هیچ کس نیست که شعار جنگ بدهد و حرفش در جهان خریدار داشته باشد و هیچ کشوری نیست که خود را جنگ طلب بخواند. وزارتخانه‌های جنگ در همه کشورهای، لااقل به ظاهر هم که شده، نام خود را به وزارت دفاع تبدیل کرده‌اند. برای این صلح خواهی و صلح جویی سازمانهایی هم در جهان به وجود آمده است که در رأس آنها سازمان ملل متحد است. همه این سازمانها البته جنبه غیردینی و به اصطلاح «لایک» دارند. و دقیقاً در همین جاست که این سؤال می‌تواند برای مسیحیان مؤمن و البته برای پیروان سایر ادیان نیز، مطرح شود که پس نقش دین در این میان چیست؟ آیا دین، هر دینی که باشد، ذاتاً صلح طلب نیست و آیا پیروان ادیان و مؤمنان حقیقی نیستند که باید در ایجاد صلح جهانی نقش داشته باشند، همان طور که در گذشته داشته‌اند؟

پیروان همه ادیان البته به این سؤال پاسخ مثبت می‌دهند، ولی بسیاری از مردم جهان، و در رأس ایشان سیاستمداران و رجال بزرگ سیاسی در کشورهای مختلف و سازمانهای بین‌المللی، این طور فکر نمی‌کنند. خیلیها معتقدند که پیروان ادیان بودند که در گذشته به اسم دین و عقیده این همه آشوب و جنگ به پا کرده‌اند و از روی تعصب به جان هم افتاده و خون یکدیگر را ریخته‌اند. حتی جنایتهایی را که رژیمهای توتالیتر و اشخاصی مثل هیتلر و استالین به عنوان جاری کردن ایدئولوژی مرتکب شده‌اند من غیر مستقیم به پای دین می‌گذارند. برای دفع این نوع اتهامات از ساحت دین، بخصوص مسیحیت، و اثبات موجودیت خود در صحنه جریانات مهم سیاسی و فرهنگی است که واتیکان و سن اجیدیو قدم به میدان گذاشته‌اند و از پیروان ادیان دیگر می‌خواهند که آنها نیز برای دفع این اتهامات و اثبات موجودیت خود قدم پیش گذارند و ابتدا صلح را در میان پیروان خود برقرار سازند و سپس کمک کنند که مردم در همه کشورهای جهان با امنیت و آرامش و در صلح و صفا به سر برند، و این البته آرمانی است ستودنی، برای هر کس و در هر کجا که باشد.

### افتتاح گردهمایی

مراسم افتتاحیه دقایقی پس از ساعت ۵ آغاز شد. در این مراسم نماینده پاپ و کاردینالها و اسقفها و کشیشان متعدد و نیز رهبران و نمایندگان از دیگر مذاهب مسیحی و همچنین نمایندگان و پیروانی از ادیان دیگر، از کشورهای مختلف، شرکت کرده بودند. مسلمانان از کشورهای مصر و تونس و الجزایر و سودان و عربستان و لبنان و هندوستان و مالزی، آمده بودند. نماینده مسلمانان بوسنی و آلبانی هم آمده بودند. بعضی از مقامات شهر آسیزی، سفرای بعضی از کشورها و رئیس‌جمهور پرتغال،

آرژاندو سوارش، و همسرش نیز در مجلس حضور داشتند. مراسم در فضای باز در میدان عمومی شهر برگزار شد و عده کثیری از اهالی شهر و مسافرانی که از شهرهای دیگر آمده بودند ناظر مراسم بودند.

در صدر مجلس پاتریارک کلیسای ارتدکس اتیوپی (بطریک حبشه)، اسقف آسیزی، نماینده یهودیان از فرانسه، نماینده مسلمانان از عربستان سعودی، و رئیس جمعیت سن اجیدیو نشسته بودند و همه سخنرانی کردند، و اغلب بر مسأله ایجاد صلح جهانی با همکاری ادیان مختلف تأکید کردند. در نخستین گردهمایی ادیان که در سال ۱۹۸۶ در همین شهر برگزار شده بود، پاپ، ژان پل دوم شخصاً شرکت جسته و سخنانی ایراد کرده بود. پاتریارک اتیوپی، ابونا پاولوس، مهمترین شخصیت مذهبی و سوارش مهمترین شخصیت سیاسی بودند که امسال شرکت می‌کردند. سخنرانی پاولوس که به زبان انگلیسی ایراد شد کوتاه بود و سنجیده، درباره مسائل جهانی و لزوم برقراری صلح توسط ادیان. پیام پطرس غالی، دبیر کل سازمان ملل، نیز مختصر بود و مفید. و بسیار سنجیده. وی از کسانی که از دین و سخنان دینی برای ایجاد تفرقه و برای ایجاد وحشت در میان دیگران استفاده می‌کنند انتقاد کرد. به فقر به عنوان یکی از مسائل سازمان ملل نیز اشاره کرد و گفت که سن فرانسیس نیز به فقر توجه داشت و آن را به عنوان روشی برای تزکیه نفس و نزدیکی به خدا به کار می‌برد و حال آنکه سازمان ملل قصدش از بین بردن فقر است. پطرس غالی از اهداف گردهمایی ستایش کرد و گفت ایجاد صلح در جهان نمی‌تواند فقط کار سیاستمداران و دولتمردان باشد بلکه همه مردم - از جمله گروههای دینی و رهبران دینی و مذهبی و پیران ایشان - هم باید در این امر خطیر نقش و سهم داشته باشند. سخنرانی ماریو سوارش، رئیس جمهوری پرتغال، اگرچه بلندتر از سخنرانیهای افتتاحیه دیگران بود و در واقع تنها سخنرانی‌ای بود که يك سیاستمدار و شخص غیر مذهبی ایراد می‌کرد، ولی در عین حال عمیق بود. وی در ضمن سخنان خود هم به نکات تاریخی اشاره کرد و هم به مسائل جهانی که امروزه مطرح است، و شرکت خود را در این کنفرانس تا حدودی به دلیل نقشی دانست که جمعیت سن اجیدیو دو سال پیش در برقرار کردن صلح در مستعمره سابق پرتغال، موزامبیک، داشته است. به سن فرانسیس و روح لطیف او، به سابقه شهر آسیزی به عنوان شهر صلح، به دوران تفتیش عقاید در پرتغال و تبعید اسپینوزا به هلند، و در دوران متأخر به اهمیت شورای دوم واتیکان در آشتی مسیحیت با ادیان اشاره کرد. از قول ایمانوئل کانت نیز گفت که بنای صلح کلی و جهانی بر آزادی و احترام به حقوق بشر استوار است. ذکر مسائل حادث جهانی مانند مسأله فاصله کشورهای غنی و

فقیر، آلودگی محیط زیست، انفجار جمعیت، جنگ خلیج فارس، جنگ بوسنی و هرزگوین، شبکه بین المللی قاچاق مواد مخدر و قاچاق پلوتونیوم نیز سخنرانی سوارش را برای شنوندگان امروزی، چه دیندار و چه لائیک، شنیدنی تر می کرد. نقطه مقابل این سخنرانی، مطالبی بود که محمد حبیب بلخوجه، رئیس مؤسسه فقه اسلامی عربستان، به نمایندگی از رهبران مسلمان ایراد کرد. بلخوجه به جای اینکه راجع به صلح سخنرانی کند و از فرهنگ اسلامی به عنوان فرهنگی صلح طلب یاد کند و از سلامت وسعه صدر جوامع اسلامی در پذیرش پیروان ادیان دیگر، چه در گذشته و چه در حال حاضر، سخن گوید راجع به محبت انسان به خدا و قرب فرایض و نوافل سخن گفت و آیه و حدیث در این باره نقل کرد. گویی مطالبی از یکی از کتابهای قدیمی - مثل *روضة المحبین ابن قیم الجوزیه* - جمع آوری کرده بود و بدون رعایت حال و هوای مجلس آنها را نقل می کرد. پنداری یکی از مشایخ صوفیه در قرن هفتم هجری در یکی از مساجد بغداد یا خانقاههای سمرقند سخن می گفت، و من در واقع از شنیدن آن مطالب به زبان فصیح عربی لذت می بردم، ولی گمان نمی کنم دیگران این سخنرانی را پسندیده باشند. مطالب کاملاً بی ربط بود. این سخنرانی در واقع نشان می داد که مسلمانانی هستند که هنوز نتوانسته اند خود را با شرایط جهان معاصر وفق دهند و با مدرنیته آشنایی عمیق پیدا کنند.

### صلح در خاورمیانه

روز دوشنبه از ساعت ۹ صبح جلسات میزگرد شروع شد. شش میز گرد در شش سالن مختلف درباره موضوعات گوناگون همزمان تشکیل می شد و من ابتدا نمی توانستم تصمیم بگیرم به کدام يك از آنها بروم. اولی درباره صلح اسرائیل و فلسطین بود، دومی درباره وحدت مذاهب مسیحی، سومی درباره مسائل آفریقا، چهارمی درباره کمک به بینوایان و فقرا توسط کلیسا و مؤسسات خیریه (از جمله سن اجیدیو)، پنجمی درباره مسیحیت در حلب، ششمی درباره موضع مسیحیان و مسلمانان در مورد صلح و حقوق بشر. تردید من درباره اولی و ششمی بود، و پس از اندکی تأمل تصمیم گرفتم به اولی بروم.

سالن میزگرد نسبتاً بزرگ بود، و وقتی من رسیدم تقریباً سالن پر بود. چون میهمان خارجی بودم يك صندلی در ردیفهای جلو برام خالی کردند. رئیس جلسه کارلوماریا مارتینی، اسقف اعظم میلان، بود که خود پارسال در میلان میزبان کنگره بود. از اسرائیل یوسی پی لین معاون وزیر امور خارجه و از فلسطین فیصل حسینی رئیس هیأت فلسطینی کنفرانس صلح خاورمیانه شرکت داشتند. مدیریت جلسه و سؤال کردن هم به عهده یکی از

روزنامه نگاران معروف ایتالیایی بود به نام آریگولی.

معرفی دو میهمان فلسطینی و اسرائیلی توسط لوی بسیار مختصر بود و اسقف مارتینی نیز مقدمه کوتاهی ایراد کرد و گفت مسأله خاورمیانه فقط يك مسأله سیاسی و اجتماعی نیست، بلکه جنبه اخلاقی و معنوی هم دارد. مارتینی در واقع می خواست بگوید که حل مسأله فقط توسط سیاستمداران لائیک انجام نمی گیرد، بلکه رهبران دینی مسلمانان و یهودیان، و به طور غیرمستقیم مسیحیان، هم نقش مهمی در این میان باید داشته باشند. وی در همین جلسه اظهار کرد که پیام اصلی این ادیان صلح است و کسانی که آتش جنگ را شعله ور نگه می دارند در حقیقت غیردینی (لائیک) هستند. این مطلب را اسقف در واقع در پاسخ به اعتراضی گفت که بی لین به گروههای تندرو مذهبی هم در میان یهودیان و هم در میان مسلمانان کرده بود. وی گفت در هر دینی کلماتی هست که مردم را به رحم و شفقت به خلق دعوت می کند و کلماتی هم هست که آنان را به جنگ و انتقام جویی فرامی خواند، و در میان پیروان هر دینی هم اشخاصی هستند که می توانند از هر کدام از این کلمات که بخواهند به نفع خود استفاده کنند. معاون وزیر خارجه اسرائیل از رهبران دینی در کنگره دعوت کرد تا هیأتی را به بیت المقدس بفرستند تا عملاً ثابت کنند که ادیان می توانند عامل برقراری صلح در جهان باشند. در اینجا مدیر جلسه نظر فیصل حسینی را پرسید و او پیشنهاد کرد به جای اینکه فقط يك هیأت بروند، خود گردهمایی سال آینده در بیت المقدس برگزار شود. کاری که قرار بود امسال انجام دهند ولی ظاهراً به دلایل امنیتی در ماههای آخر منصرف شدند.

نکته ای که از همان ابتدا در مورد حسینی و بی لین مشهود بود حالت و وضع دوستانه ای بود که این دو نفر نسبت به یکدیگر داشتند. یکبار لوی از ایشان سؤال کرد: شما آخرین بار کی همدیگر را ملاقات کردید؟ حسینی به شوخی جواب داد: دیشب. و آنگاه بی لین به حضار گفت که من می خواهم رازی را برای شما در این مجلس فاش کنم و آن این است که من و فیصل حسینی از ده سال پیش با هم مراوده داشته ایم و من از او دعوت می کردم تا به اسرائیل بیاید. بالأخره در سال ۱۹۸۶ آمد و در مجلسی که سران اسرائیلی در آن حضور داشتند حاضر شد و برای آنان سخنرانی کرد و به عبری گفت «من دشمن شما هستم، ولی می خواهم راهی پیدا کنم برای زندگی کردن با یکدیگر، نمی خواهم تا ابد با هم بجنگیم».

نکته دیگری که در تمام طول این گفتگوها مشهود بود این بود که فیصل حسینی از حریف اسرائیلی خود ضعیف تر بود. معلوم بود که او می خواهد امتیاز بگیرد، و به همین جهت بود که اصرار داشت یکی از کارهایی که اسرائیلی ها باید انجام دهند آزاد کردن

زندانیان فلسطینی است. می‌گفت: برای برقراری صلح باید همه پرونده‌ها را بست. ما نه تنها باید گذشته را فراموش کنیم، بلکه باید قادر باشیم تا کینه‌ها را از دل بزداییم و نسبت به هم با گذشت رفتار کنیم. بی‌لین نیز خود با کوشش برای برقراری صلح کاملاً موافق بود. می‌گفت موضوع صلح يك تلاش دایم است. باید دایم در این جهت حرکت کرد و اگر جریان امور را به تأخیر بيفکنیم چه بسا آفاتی به آن وارد شود. وی به انتخابات اسرائیل و امریکا اشاره کرد و گفت اگر اشخاصی که در امریکا و اسرائیل با صلح موافق نیستند انتخاب شوند در آن صورت ممکن است اوضاع طور دیگری شود، و لذا باید از فرصت استفاده کرد.

فیصل حسینی در مورد يك موضوع دیگر نیز اصرار می‌ورزید و آن کمکی بود که کشورهای دیگر از جمله اسرائیل باید به فلسطینیها بکنند و می‌گفت ادامه صلح در گرو این کمکهاست. همان‌طور که گفتیم، او به دنبال امتیاز گرفتن بود، ولی عکس‌العملهای او به نظر تا حدودی ساده‌لوحانه می‌آمد. يك بار هم کاری کرد که به نظر صادقانه نمی‌آمد. وقتی شروع به سخنرانی کرد ابتدا چند جمله به انگلیسی گفت و ناگهان به عربی سخن گفت. و چون جملات عربی او را ترجمه کردند، اظهار تعجب کرد و گفت: مگر من به انگلیسی حرف نمی‌زدم؟ منظورش این بود که انگلیسی صحبت کردن برای من با عربی حرف زدن تفاوتی نمی‌کند، در صورتی که انگلیسی را قدری با زحمت صحبت می‌کرد و حتی به سؤالی که از او می‌کردند همیشه درست جواب نمی‌داد، و حال آنکه حریف او در سخن گفتن تواناتر و از او رندتر بود. بی‌لین در هر موردی که فیصل می‌خواست امتیازی بگیرد طفره می‌رفت. در آخر مجلس هم وقتی درباره ارتباط اسرائیل و سوریه سؤال کردند طوری جواب داد که گویی اسرائیل از سال ۱۹۷۲ می‌خواسته است صلح کند و سوریه در تمام این مدت سرسختی و سوءنیت نشان داده است.

#### دعا در ادیان ابراهیمی

صبح دوشنبه را من به گوش کردن به مذاکرات غیردینی سپری کرده بودم و لذا تصمیم گرفتم بعد از ظهر را در میزگردی که بیشتر با مسائل دینی سروکار داشت بگذرانم. از میان هشت میزگرد با عنوان «دعا در میان یهودیان و مسیحیان و مسلمانان»، «ادیان، نزاعها و حکومت جهانی»، «بحث زنان درباره دین و صلح»، «بحران یوگسلاوی سابق»، «ژاپن، شاهدان صلح»، «صدقه»، «پاپ جان بیست و سوم»، «سن فرانسیس»، من اولی را انتخاب کردم. جلسه به ریاست ژوزف گلمب سراسقف ورشو تشکیل شد و رئیس آکادمی هیلل و یک راهب ایتالیایی از فرقه دومینیکیان و یک مسلمان هندی به ترتیب درباره دعا در میان یهودیان و مسیحیان و

مسلمانان کلیاتی گفتند. در جلسه صبح میان اعضای میزگرد گفتگو (دیالوگ) بود و مجلس کاملاً زنده بود، ولی جلسه بعد از ظهر، با وجود اینکه درباره دعا بود، بی‌روح بود. هر سخنران مستقلاً حدود بیست دقیقه حرف زد. هر کس برای خودش. یکی از دلایلی که من این میزگرد را انتخاب کرده بودم مطالبی بود که جان هیگ درباره دعا به عنوان جایگاهی که مسیحی و مسلمان در آن به هم نزدیک می‌شوند بیان کرده بود. (بنگرید به مقاله نگارنده در نشر دانش، سال ۱۲، شماره ۳). در خلال این سخنرانیها نیز نکاتی بود که این نزدیکی را نشان می‌داد. مطلبی که راهب مسیحی درباره ذکر خفی در فرقه دومینیکیان بیان کرد برایم شنیدنی بود. اما انتظار من بیش از اینها بود. درباره سابقه دعاهای اسلامی که ظاهراً از قرن دوم به بعد پدید آمده و احتمال می‌رود که بی‌ارتباط با دناهای مسیحیان و یهودیان نبوده باشد، تا جایی که من می‌دانم، کسی تحقیق نکرده است و من علاقه‌مند بودم در این میزگرد چیزی در این زمینه دستگیرم شود که نشد. اساساً برای تحقیقات آکادمیک در این گردهمایی جایی نبود.

#### صلح در موزامبیک

صبح روز سه‌شنبه که آخرین روز گردهمایی بود باز هم هفت میزگرد تشکیل می‌شد که موضوعات آنها عبارت بود از: «صلح در موزامبیک»، «وحدت مسیحی»، «شاهدان صلح در اسلام»، «سازش یهودیان و مسیحیان»، «شاهدان صلح در آسیا»، «وحدت و همکاری دینی»، «مسأله محیط زیست و دین: آیا زمین متعلق به خداست؟». من بیشتر علاقه داشتم که در میزگرد محیط زیست شرکت کنم، ولی راهنمایم با توجه به نقشی که جمعیت سن اجیدو در برقراری صلح در موزامبیک داشته است توصیه کرد که به میزگرد اول بروم و من هم پذیرفتم.

موزامبیک کشوری است آفریقایی که سابقاً جزو مستعمرات پرتغال بوده و پس از سیزده سال مبارزه با استعمار در سال ۱۹۷۵ به استقلال رسیده است. سپس از سال ۱۹۷۶ تا ۱۹۹۲ به مدت شانزده سال خود گرفتار جنگ داخلی بوده است. يك میلیون نفر از جمعیت این کشور در این مدت کشته و هفتصد هزار نفر هم به کشورهای دیگر پناهنده شدند. جنگ میان حکومت مارکسیستی به ریاست سامورا از يك سو و رومانو رهبر گروههای چریکی از سوی دیگر بود. پس از مرگ رئیس جمهور سامورا در سال ۱۹۸۶ وزیر خارجه او چیسانو حکومت را در دست گرفت و به جنگ با چریکها ادامه داد. رابطه دولت مارکسیستی موزامبیک با کلیسا همواره خصمانه بود، ولی از سال ۱۹۸۵ که سامورا، با وساطت جمعیت خیریه سن اجیدو، با پاپ ملاقات کرد بتدریج اوضاع عوض شد. روابط میان دولت موزامبیک با واتیکان از زمان ریاست

بود. البته سخنرانیها بعضاً به زبانهای دیگر هم بود، ولی همه آنها به ایتالیایی و انگلیسی و گاهی فرانسه و برحسب مورد به عربی هم ترجمه می شد. اما اشکال کار این بود که بخش خدمات کنگره متن سخنرانیها را فقط به زبان ایتالیایی در اختیار اشخاص قرار می داد و من با همه کوششی که کردم نتوانستم ترجمه انگلیسی بعضی از سخنرانیها، از جمله سخنرانی پرزیدنت سوارش، را به دست آورم. حتی متن پیام پطرس غالی هم که اصلاً به زبان انگلیسی بود در دسترس نبود.

### دعای صلح

بعد از ظهر دوشنبه مراسم اختتامیه و دعای صلح بود. ابتدا پیروان هر يك از ادیان مسلمان و مسیحی و یهودی و بودایی و هندو و سیک و شنتو به محل خاصی که برای نماز و دعای آنان تعیین کرده بودند رفتند. مسلمانان در محل خاص خود نماز ظهر و عصر را شکسته به امامت امام مسجد رم به جای آوردند. ساعت شش و نیم همه میهمانان در طی يك راهپیمایی آرام از کوچه ها و خیابانهای تنگ و از میان ساختمانهای قدیمی شهر آسیری عبور کردند و برای مراسم اختتامیه به یکی دیگر از میدانهای شهر رفتند و بر صندلیهایی که در آنجا چیده بودند نشستند. بیش از هزار نفر در آنجا جمع شده بودند. مراسم با خواندن پیام پاپ توسط یکی از کاردینالها آغاز شد. پس از آن پیام مسلمانان توسط یکی از استادان الجزایری و پیام یهودیان توسط رئیس کنیسه رم و پیام بوداییان توسط یکی از رهبران بودایی قرائت شد. پاتریارک اتیوپی هم سخنانی ایراد کرد. همه این سخنرانیها درباره صلح و ضرورت برقراری آن در جهان بود. بیانیه ای هم که میهمانان و پیروان ادیان مختلف در این مجلس امضا کردند در تأیید همین مطلب بود. در این بیانیه به نقش عمده ادیان در برقراری صلح تأکید شده و از زبان امضاکنندگان از همه کسانی که جنگ طلبند یا خود تلفات و صدمات جنگ را متحمل شده اند خواسته بودند که گذشت را فراموش نکنند، چه انسانیت انسان فقط در گر و گذشت و آشتی است نه کینه جویی و جنگ. در جنگ تقدسی نیست؛ تقدس فقط در صلح و دوستی است. اما پیش از امضای بیانیه، از راهبه پیری دعوت کردند تا به پشت میکروفون بیاید و سخنرانی کند. سخنان او کوتاه بود، و من گرچه هیچ یادداشتی از سخنرانیهای مراسم اختتامیه برنداشتم، اما یادم نرفته است که چگونه او غرید و به زبان فرانسه خطاب به همه حاضران و همه کسانی که سخنان او را بعداً خواهند شنید گفت: صلح جهانی در گر و عدالت است و در جهان کنونی عدالت برقرار نمی شود مگر اینکه شکافی که هم اکنون میان کشورهای فقیر و غنی وجود دارد از میان برود. والسلام.

جمهوری چیسانو بیش از پیش بهبود یافت، بخصوص به موجب کمکهایی که جمعیت خیریه سن اجیدو به مردم جنگ زده موزامبیک می کرد. همین امر باعث شد که سن اجیدو اعتماد طرفین جنگ را به خود جلب کند، تا سرانجام پس از دو سال کوشش پی گیر توانست رهبران آنها را به رم بیاورد و میان آنان صلح برقرار کند. هم اکنون قریب به دو سال است که صلح در این کشور آفریقایی حاکم است و دو گروهی که سالها با هم می جنگیدند، مسائل خود را از راه مذاکره حل کرده اند. گروه چریکی رمانو هم خود تبدیل به حزبی سیاسی شده که احتمال دارد در انتخابات آینده هم به پیروزی برسد.

در برقراری صلح در موزامبیک جمعیت سن اجیدو براستی نقش مؤثری ایفا کرده است، ولی به هر حال این جمعیت در این قضیه تنها نبوده است. واتیکان و دولت ایتالیا هم در آن سهم داشته اند، البته کشورهای امریکا و انگلیس و فرانسه و پرتغال و سازمان ملل نیز موافق صلح بودند و بر جریان امور نظارت می کردند. اما مهمتر از همه دو طرف مخاصمه بودند که بالأخره حاضر شدند کینه ها را از دل بزدایند و با هم آشتی کنند و در اداره کشور با هم سهیم شوند، و این برای يك کشور آفریقایی و جهان سومی که قرنهای زیر سلطه استعمار بوده حادثه کوچکی نبوده است. حوادثی که بیخ گوش ما در افغانستان و تاجیکستان اتفاق افتاده است اهمیت صلح را در موزامبیک برای ما بهتر آشکار می سازد. بدبختانه این سرنوشت اغلب کشورهای است که سالها تحت سلطه يك کشور خارجی بوده اند و گروههای مختلف که روزگاری در کنار هم با دشمن خارجی می جنگیده اند وقتی بالأخره توانسته اند دشمن را بیرون کنند خود به جان یکدیگر افتاده و برادرکشی راه انداخته اند. گویی وقتی چندین سال جنگ در میان مردم يك کشور باقی می ماند، حس انتقام جویی در دلها ریشه می دواند، و پس از اینکه دشمن اصلی از صحنه خارج شد، چون آن حس انتقام جویی و کینه توزی ریشه دوانده است به سادگی محو نمی شود و تا چند سال کسانی که روزی در کنار هم با بیگانه می جنگیدند حال با خودشان باید بجنگند.

کسانی که از موزامبیک آمده بودند تا در میزگرد شرکت کنند و نفر بودند یکی گیبوتزا وزیر حمل و نقل و از اعضای حزب چیسانو و دیگر دومینگوس رئیس دایره امور سیاسی رنامو. هر دو نفر در مذاکرات صلح فعالانه شرکت کرده بودند و در این کنفرانس نیز در ضمن سخنرانی نسبتاً مفصلی که کردند از تجربه های خود سخن گفتند. سخنرانی هر دو به زبان پرتغالی بود و از ترجمه انگلیسی همزمان آنها فقط مطالبی پراکنده دستگیر من شد. متأسفانه یکی از مشکلات این کنگره برای شرکت کنندگان غیر ایتالیایی مسئله زبان بود. زبان کنگره در درجه اول ایتالیایی